

Declarative Speech Act Based On Searle's Theory In Administrative Writings Of Salahaddin University- Erbil

Biranda Abdulla Othman

Salahaddin University-Erbil/ College of Languages/ Persian Language

DOI: <https://doi.org/10.31918/twejer.2695.03>

Published: 16/8/2026

Abstract

Speech act theory is one of the most important theories in the field of language pragmatics that examines the functions of language and their impact on social interactions. Among them, declarative speech acts have a special place in Searle's five-part classification because, relying on the social and institutional position of the speaker, they cause real changes in the legal, administrative, or organizational status. The present study, focusing on the administrative letters of Salahaddin University-Erbil, examines how declarative speech acts are formed and function in these texts.

The main question of this research is how declarative speech acts in administrative letters of Salahaddin University cause administrative and organizational changes through official language and institutional authority. This research is descriptive-analytical in terms of method and data were collected through library study and collection of samples of real administrative letters of Salahaddin University. Then, these data were analyzed using a qualitative approach and based on the theoretical framework of speech acts, especially Searle's theory of declarative acts.

The results of the study show that declarative actions in administrative letters are realized through official language, institutional legitimacy, and specific structures of administrative correspondence, and play an important role in creating legal, administrative, and organizational changes. Also, specific patterns of these actions can be identified in the texts under study, which helps to better understand the mechanism of linguistic power in the administrative system.

Keyword: *declarative speech act, administrative letter, pragmatics, official language, institutional authority, Salahaddin University.*

کنش گفتاری اعلامی بر مبنای نظریه سرل در نامه های اداری دانشگاه صلاح الدین- اربیل

بیرنده عبدالله عثمان

دانشگاه صلاح الدین- اربیل / دانشکده زبان / بخش زبان فارسی

چکیده:

نظریه کنش گفتاری از مهمترین نظریات در حوزه کاربردشناسی زبان است که به بررسی کارکردهای زبان و تأثیر آنها در تعاملات اجتماعی می‌پردازد. در این میان، کنش‌های گفتاری اعلامی در طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا با اتکا به موقعیت اجتماعی و نهادی گوینده، موجب ایجاد تغییرات واقعی در وضعیت حقوقی، اداری یا سازمانی می‌شوند. تحقیق حاضر با تمرکز بر نامه‌های اداری دانشگاه صلاح الدین- اربیل، به بررسی چگونگی شکل‌گیری و کارکرد کنش‌های گفتاری اعلامی در این متون می‌پردازد.

سؤال اصلی این تحقیق آن است که کنش‌های گفتاری اعلامی در نامه‌های اداری دانشگاه صلاح الدین چگونه از طریق زبان رسمی و اقتدار نهادی، موجب ایجاد تغییرات اداری و سازمانی می‌شوند. این تحقیق از نظر روش، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای و گردآوری نمونه‌هایی از نامه‌های اداری واقعی دانشگاه صلاح الدین جمع‌آوری شده‌اند. سپس این داده‌ها با استفاده از رویکرد کیفی و بر اساس چارچوب نظری کنش گفتاری، به‌ویژه نظریه کنش‌های اعلامی سرل، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کنش‌های اعلامی در نامه‌های اداری از طریق زبان رسمی، مشروعیت نهادی و ساختارهای مشخص مکاتبات اداری تحقق می‌یابند و نقش مهمی در ایجاد تغییرات قانونی، اداری و سازمانی دارند. همچنین، الگوهای مشخصی از این کنش‌ها در متون مورد بررسی قابل شناسایی است که به درک بهتر سازوکار قدرت زبانی در نظام اداری کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: کنش گفتاری اعلامی، نامه اداری، کاربردشناسی، زبان رسمی، اقتدار نهادی، دانشگاه صلاح الدین.

1- مقدمه:

نظریه کنش گفتاری یکی از نظریات مطرح در علم کاربردشناسی زبان است، این نظریه با گونه های مختلف کارهایی که می توان با کلمات انجام داد؛ سروکار دارد. تحقیق درباره کنش اعلامی که یکی از کنش های سرل در طبقه بندی پنجگانه کنش گفتار است؛ در نامه های اداری به بررسی نقش و اهمیت زبان در ایجاد تغییرات در وضعیت مخاطب و یا در جهان خارج می پردازد. کنش های اعلامی به عنوان ابزاری برای بیان تصمیم ها و اعلام های اداری، در نامه های اداری نقش بسزایی دارند و می توانند تأثیر عمیقی بر روابط سازمانی و تعاملات اجتماعی بگذارند.

نامه، مراحل و شیوه نامه نگاری از قدیم به عنوان یکی از مؤثرترین و نظام مندترین شیوه های ارتباط مکتوب میان افراد، سازمان ها و نهادهای رسمی مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود گسترش فناوری های جدید ارتباطی و ظهور ابزارهای متنوع تبادل اطلاعات، مکاتبات اداری همچنان جایگاه خود را به عنوان رکن بنیادین در نظام های ارتباطی و مدیریتی حفظ کرده اند.

نامه اداری، به منزله متنی ساختارمند، دارای کارکرد رسمی، نقشی تعیین کننده در تسهیل ارتباطات سازمانی، انتقال دقیق و شفاف اطلاعات، طرح درخواست ها، بیان شکایات و ارائه پیشنهادها ایفا می کند. اهمیت این گونه مکاتبات صرفاً به انتقال پیام محدود نمی شود، بلکه بازتاب دهنده هویت حرفه ای، نظم اداری و اعتبار نهادی فرستنده نیز هست.

از این رو، رعایت اصول و معیارهای نگارش اداری از جمله دقت در ساختار، وضوح در بیان، انسجام در محتوا و التزام به زبان رسمی نه تنها موجب افزایش کارآمدی ارتباطات سازمانی می گردد، بلکه در تقویت اعتماد متقابل، ارتقای تعاملات اداری و بهبود روابط حرفه ای میان نهادها و مخاطبان نیز نقش بسزایی ایفا می نماید.

با توجه به ساختار خاص نامه های اداری و الزامات مرتبط با آن ها، این تحقیق تلاش می کند تا الگوهای زبانی و راهبردهای ارتباطی مورد استفاده در کنش های گفتاری اعلامی را شناسایی کند. همچنین، بررسی عوامل مؤثر بر فهم و تفسیر این کنش ها، شامل زمینه های فرهنگی و اجتماعی، اهمیت ویژه ای دارد. تحقیق حاضر نه تنها به تحلیل ساختارهای زبانی می پردازد، بلکه به تبادل اطلاعات و ارتباطات مؤثر در محیط های اداری نیز توجه خواهد کرد. از این رو، هدف اصلی این تحقیق، درک بهتر از نحوه استفاده از زبان در نامه های اداری و تأثیر آن بر فرایندهای تصمیم گیری و روابط بین فردی است.

2- محدوده ی تحقیق:

دامنه این تحقیق به بررسی کنش های گفتاری اعلامی در نامه های اداری دانشگاه صلاح الدین_ اربیل محدود می شود. در چارچوب این محدوده، تعداد شش (6) نامه اداری به عنوان داده های تحقیق انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفته اند. معیار اصلی در گزینش این نمونه ها، وجود و برجستگی کنش های گفتاری اعلامی در ساختار زبانی و کارکرد ارتباطی آن ها بوده است؛ بدین معنا که تمرکز تحقیق بر متونی قرار داشته که در آن ها زبان، نقش کنش گر ایفا کرده و به طور مستقیم در ایجاد یا تغییر وضعیت های حقوقی، اداری و نهادی مؤثر بوده است.

3- ضرورت و اهمیت تحقیق:

نامه های اداری به عنوان یکی از ابزارهای اساسی در انتقال اطلاعات، ابلاغ تصمیمات و سامان دهی روابط سازمانی ایفای نقش می کنند. بنابراین، شناخت دقیق کنش های گفتاری اعلامی می تواند به بهینه سازی فرآیندهای اداری و ارتقای سطح کارایی سازمان ها منجر شود. این کنش ها با تأثیرگذاری مستقیم بر تعاملات میان کارکنان و مدیریت، نقش مهمی در شکل گیری روابط حرفه ای ایفا می کنند؛ از این رو، تحلیل آن ها امکان شناسایی چالش ها و ظرفیت های موجود در ارتباطات سازمانی را فراهم می سازد.

از سوی دیگر، زبان به کار رفته در نامه های اداری غالباً رسمی و ساختارمند است و در بازتولید قدرت و تثبیت ساختارهای اجتماعی نقش دارد. بررسی کنش های گفتاری اعلامی در این متون می تواند به درک عمیق تر نقش زبان در ایجاد، تداوم و مشروعیت بخشی به نهادها و موقعیت های قدرت کمک کند. افزون بر این، یافته های تحقیق حاضر می تواند به عنوان منبعی آموزشی در جهت ارتقای مهارت های نوشتاری و ارتباطی در محیط های اداری مورد استفاده قرار گیرد. در مجموع، این تحقیق با گسترش فهم ما از کارکرد زبان و الگوهای ارتباطی در بافت های اداری، زمینه ساز شکل گیری تعاملات مؤثرتر، هدفمندتر و کارآمدتر در سازمان ها خواهد بود.

4- اهداف تحقیق:

از مهمترین اهداف این تحقیق شناسایی انواع کنش های گفتاری اعلامی در نامه های اداری دانشگاه صلاح الدین و تحلیل کارکردهای بیانی این کنش ها و نحوه تأثیرگذاری آن ها بر برقراری ارتباطات اداری، همچنین بررسی چالش ها و نقاط قوت کنش گفتاری اعلامی در نامه های اداری می شود.

5- پرسشهای تحقیق:

در این تحقیق، محقق بر آن است که با بررسی کنشهای گفتاری اعلامی در نامه های اداری دانشگاه صلاح الدین، پاسخگویی این سؤالات باشد که:

1. کنشهای گفتاری اعلامی در نامه های اداری دانشگاه صلاح الدین چگونه شکل می گیرند؟ و چگونه از طریق زبان رسمی و اقتدار نهادی، موجب ایجاد تغییرات اداری و سازمانی می شوند.
2. تأثیر این کنش ها بر درک و ارتباط بین فرستنده و گیرنده چگونه است؟
3. چه الگوهای مشخصی از کنش گفتاری اعلامی در این نامه ها قابل شناسایی است؟

6- روش تحقیق:

این تحقیق از نظر روش اجرا، مبتنی بر روش توصیفی- تحلیلی است. و مطالبی مورد نظر در این طرح با روش مطالعه کتابخانه ای همچنین انتخاب نمونه هایی از نامه های اداری واقعی دانشگاه صلاح الدین گردآوری شده اند. سپس این نمونه ها با تکیه بر چارچوب نظری کنش گفتاری، به ویژه کنش اعلامی در نظریه سرل، مورد تحلیل کیفی قرار گرفته اند.

7- ساختار مقاله:

تحقیق حاضر، غیر از مقدمه که شامل ضرورت و اهمیت، اهداف و پرسشهای تحقیق و روش تحقیق است. از دو مبحث تشکیل شده است:

مبحث اول: شامل مطالعات نظری در مورد نامه اداری و قسمتهای آن و ترتیب اجزای نامه های اداری است، مفاهیم کلیدی در مورد کنش گفتاری به ویژه کنش اعلامی در بر می گیرد.

مبحث دوم: به تحلیل کنش گفتاری اعلامی در نامه های اداری دانشگاه صلاح الدین می پردازد، در پایان این جستار به فهرست منابع استفاده شده، هم چنین نتایج به دست آمده به پایان می رسد.

مبحث اول:

1. گفتمان اداری:

گفتمان اداری سازمانی را می توان رخدادی زبانی و نوشتاری دانست که بر مخاطب خود تأثیرگذار بوده و در راستای نظم بخشی به زندگی فرد در بستر یک جامعه واحد، و همچنین سامان دهی روابط میان فرد و سایر اعضای جامعه، شکل می گیرد. این نوع از گفتمان، دارای ویژگی های زبانی خاص و

تمایزی است که آن را از سایر انواع گفتمان‌ها جدا می‌سازد؛ به‌ویژه در سطح واژگان، ساختارهای نوشتاری و اصطلاحاتی که در چارچوب مکاتبات رسمی و اداری به‌کار گرفته می‌شود.

گفتمان اداری بر اساس ضوابط و معیارهایی از پیش تعیین‌شده عمل می‌کند و با بهره‌گیری از زبان معیار، واژگان خاص خود را برمی‌گزیند و بدین‌وسیله، واژگان‌نامه‌ای تخصصی برای خود می‌سازد که در نهایت منجر به شکل‌گیری سبکی متمایز در نگارش می‌گردد. این سبک نگارشی، ارتباط تنگاتنگی با ماهیت وجودی نهاد مدیریت دارد؛ نهادی که با شیوه‌ای خاص و منحصر به‌فرد به نگارش، تدوین و ابراز دیدگاه‌های خود می‌پردازد. اصل بنیادین در این شیوه آن است که سبک بیان باید با موضوع مورد نظر هم‌راستا و متناسب باشد. (لعبیدی، 2011: 23)

مدیریت نقش بسیار مهمی در زندگی افراد و گروه‌ها ایفا می‌کند، به ویژه از طریق گفتمان‌های رهبری‌کننده، ثابت و رسمی خود که به طور کامل به آن اعتماد می‌شود تا اطلاعات، دستورات، افکار و اخبار را منتقل کند.

نامه اداری را می‌توان گونه‌ای از گفتمان نهادی دانست که در قالب مکتوب و به‌صورت فیزیکی یا دیجیتالی تولید می‌شود و کارکرد اصلی آن، انتقال معانی مرتبط با درخواست، اطلاع‌رسانی و صدور دستور در بستر تعاملات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی است. و همچنین به منظور برقراری ارتباط، با هدفی معین و مشخص میان اشخاص حقیقی و حقوقی مبادله می‌شود (معاونت حقوقی: 4). این نوع گفتمان از لحاظ ساختاری و محتوایی تابع مجموعه‌ای از هنجارهای رسمی و قواعد نگارشی است که رعایت آن‌ها تضمین‌کننده انسجام، وضوح و اعتبار متن محسوب می‌شود. هرگونه انحراف از این معیارها از جمله خطاهای تایپی، املائی و ویرایشی می‌تواند به تضعیف وجه رسمی متن و اختلال در فرایند انتقال معنا بین فرستنده و گیرنده منجر گردد.

از دیدگاه حسین عیون، نویسنده کتاب (الدلیل المنهجي في المراسلات الادارية)، مکاتبات اداری یکی از ابزارهای ارتباطی رسمی میان دو طرف یا بیش از دو طرف به‌شمار می‌آید که در چارچوب نظام کلی اجتماعی و سازمان‌های شغلی شکل می‌گیرد. این نوع مکاتبات به‌صورت مکتوب و با استفاده از خط یا سایر ابزارهای نوشتاری تنظیم می‌شود و نقش مهمی در سامان‌دهی روابط اداری و سازمانی ایفا می‌کند. (لعبیدی، 2011: 26)

نگارش نامه‌های اداری را می‌توان یکی از نموده‌های برجسته گفتمان رسمی در سازمان‌ها دانست که از منظر زبان‌شناسی کاربردی و تحلیل گفتمان، واجد اهمیت ویژه‌ای است. این نوع مکاتبات نه تنها

ابزاری برای انتقال اطلاعات، درخواست‌ها و تصمیمات در محیط‌های حرفه‌ای محسوب می‌شود، بلکه بازتابی از روابط قدرت، جایگاه نهادی و هویت سازمانی نیز به شمار می‌آید.

از این‌رو، نویسنده در فرآیند تولید چنین متونی ناگزیر است مجموعه‌ای از هنجارهای زبانی و سبکی را رعایت کند؛ از جمله به‌کارگیری زبان رسمی، ساختار نحوی منسجم، واژگان تخصصی و لحنی متناسب با موقعیت ارتباطی.

رعایت این اصول، موجب افزایش شفافیت و انسجام متن شده و فرایند انتقال معنا را تسهیل می‌کند. همچنین، انتخاب آگاهانه لحن و واژگان در این نوع نوشتار می‌تواند بر درک مخاطب و میزان تأثیرگذاری پیام نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. در نتیجه، نگارش نامه‌های اداری را می‌توان نه صرفاً یک مهارت فنی، بلکه کنشی زبانی و اجتماعی دانست که میان جنبه‌های زبانی، نهادی و ارتباطی پیوند برقرار می‌کند.

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، گفتمان اداری یک گفتمان کاربردی است که می‌توان آن را از جنبه کاربردی و تبادلی تحلیل کرد. این گفتمان از سازماندهی، هدایت، ارزیابی، توضیح، اقناع و هدایت برخوردار است. در تمامی این مراحل، این گونه گفتمان عناصر یا قطب‌های خاص خود را دارد که در تحقق و انجام آن سهم دارند، مانند تولیدکننده، گیرنده، موقعیت تولید گفتمان، و شرایطی که در آن صاحبان آن و عوامل انتقال‌دهنده آن مشارکت دارند تا اطمینان حاصل کنند که گفتمان ادامه یابد. این گفتمان حامل ایدئولوژی‌ها، افکار، گرایش‌ها و فرهنگ خاص خود است و این عناصر عبارتند از:

اول: فرستنده (Adresse):

اصطلاح گوینده یا نویسنده پیام در زبان‌شناسی، به‌ویژه در کاربردشناسی، برای اشاره به یکی از نقش‌های اصلی شرکت‌کننده، همراه با گوینده، در یک تعامل زبانی به کار می‌رود. این مفهوم همچنین در زبان‌شناسی اجتماعی، جایی که زبان مخاطبان برای مفهوم انطباق محوری است، و در دستور زبان، جایی که در نظر گرفتن مخاطب ممکن است بر انتخاب ضمیر تأثیر بگذارد یا یک شکل احترام‌آمیز خاص را برانگیزد، مرتبط است. (Crystal، 2008: 10)؛ گفتمان اداری به‌عنوان یک فرآیند ارتباطی، مربوط به فردی است که نقش گوینده یا نویسنده را ایفا می‌کند. این فرد معمولاً صاحب جایگاه نخست در گفتمان اداری است، که می‌تواند یکی از مقامات اداری یا یک شهروند باشد که قصد دارد نیاز خود را از نهادهای دولتی برآورده کند.

به عبارت دیگر، فرستنده گفتمان، همان فردی است که آن را تولید می‌کند. اولین تولیدکننده در گفتمان اداری، نهادهای قانون‌گذار هستند، و پس از آن، این مسئولیت به افرادی منتقل می‌شود که از سوی این نهادها مجاز به نمایندگی از آن‌ها و بیان سخنان آن‌ها در چارچوب گفتمان اداری هستند.

دوم: گیرنده (Receiver):

به خواننده متن یا شنونده که دریافت‌کننده موردنظر نویسنده یا گوینده باشد، مخاطب می‌گویند. دانش گوینده در یک ارتباطی کلامی این امکان را برای تحلیلگر متن فراهم می‌کند تا بتواند آنچه را که منظور گوینده است تحلیل نماید، چرا که سطح دانش شنونده انتظارات و توقعات تحلیلگر را محدود می‌سازد. (آقا گل زاده، 1399: 161)، در فرایند گفتمان اداری، مخاطب یا گیرنده پیام نقش بنیادی دارد؛ چراکه بدون حضور او، فرایند ارتباطی اداری معنا و موجودیت نخواهد داشت. در واقع، تمام اسناد و مکاتبات اداری به‌قصد اطلاع‌رسانی، اقناع، یادآوری یا هدایت مخاطب تنظیم و صادر می‌شوند. در این میان، بافت موقعیتی نقش بسیار مهمی در تولید معنا و درک پیام ایفا می‌کند.

سوم: پیام (Message):

در نظریه اطلاعات و الگوی رمزگذاری ارتباط، پیام، به معنی علامتی است که فرستنده آن را رمزگذاری می‌کند و به سوی گیرنده می‌فرستد. اگر فرایند رمزگذاری و رمزگردانی، به درستی انجام شود و پیام، بدون اختلال فرستاده شود، گیرنده، دقیقاً همان پیام ارسالی را دریافت خواهد کرد. اصطلاح پیام، در معنای دقیق خود، با این نظریه‌های جدید کاربرشناسی استنباطی، سازگاری ندارد. واژه پیام، در این نظریه‌ها، به معنی آنچه گوینده، قصد تبادل و انتقال آن را دارد، یا مهمترین بخش آن، به کار می‌رود. (الوت: 1399: 154).

چهارم: وسیله ارتباطی (Medium):

یکی از عناصر بنیادین در فرایند ارتباطی است که وظیفه‌ی انتقال پیام از فرستنده به گیرنده را بر عهده دارد. رسانه یا وسیله ارتباطی اصطلاحی است که در مطالعات ارتباطات برای اشاره به جنبه‌های عملکردی متمایز انتقال پیام به‌کار می‌رود. در حوزه زبان‌شناسی، رسانه‌های اصلی شامل گفتار و نوشتار هستند، اگرچه سایر انواع رسانه‌ها نیز مورد توجه قرار می‌گیرند (برای مثال، اشاره). در این میان، گفتار معمولاً به‌عنوان «رسانه اولیه» و نوشتار به‌عنوان «رسانه ثانویه» یا «مشتق‌شده» شناخته می‌شود. (Crystal، 2008: 300)؛ در واقع، وسیله نقش مهم در برقراری ارتباط ایفا می‌کند، چراکه بدون وجود آن، پیام امکان حرکت از مبدأ (فرستنده) به مقصد (گیرنده) را نخواهد داشت. از همین رو، انتخاب

مناسب‌ترین وسیله بر اساس نوع پیام، بافت موقعیتی، سرعت مورد نیاز و میزان رسمی‌بودن، از اهمیت بالایی در کارایی گفتمان اداری برخوردار است.

پنجم: قصد (Intention)

قصد گوینده در نظریه‌های معناشناسی و تحلیل گفتمان برای تعیین معنای دقیق یک جمله ضروری است، و نقش مهمی در فهم درست جمله ایفا می‌کند. علاوه بر این سرل معتقد است که، قوام فعل گفتاری اساساً به قصد گوینده و ابزار زبانی که برای ابراز و اظهار قصد استعمال می‌شوند. هم قصد گوینده و هم ابزارهایی که برای اظهار آن به کار می‌روند تابع شرایطی هستند که اگر آن شرایط تحقیق یابند، فعل گفتاری به صورت تام انجام می‌شود. و در اصل بیان‌پذیری می‌گوید " هر آن چه را بتوان قصد کرد می‌توان بیان کرد. (سرل، 1385: 48-49).

نمودار (1) عناصر گفتمان اداری



نمودار (1)، عناصر اصلی گفتمان اداری را در قالب یک مدل ارتباطی نشان می‌دهد که شامل پنج مؤلفه بنیادین است: فرستنده، گیرنده، پیام، وسیله ارتباطی و قصد. این عناصر در کنار یکدیگر، فرآیند شکل‌گیری و انتقال معنا را در متون اداری سامان‌دهی می‌کنند و هر یک نقشی اساسی در تحقق کنش گفتاری، به‌ویژه کنش اعلامی، ایفا می‌نمایند.

2.1. نظریه کنش گفتاری (Speech act):

نظریه کنش گفتاری از نظر قلمرو به حوزه فلسفه زبان تعلق دارد. کنش‌های گفتاری یکی از عناصر مهم و اساسی در کاربردشناسی زبان است، برای نخستین بار از سوی آستین، یکی از فلاسفه ی مکتب آکسفورد در سخنرانی‌های وی به سال 1955 در دانشگاه هاروارد معرفی شد و بیست سال بعد به چاپ رسید (صفوی، 1399: 173). به نظر آستین " نقش اصلی زبان صرفاً اخبار – صادق یا کاذب- از واقعیت نیست، بلکه با زبان افعال متنوع و بسیاری می‌توان انجام داد. آستین نخستین فیلسوفی بود که

بیان کرد در میان اظهارات زبانی طبقه مهمی وجود دارد که دارای صورت جمله های خبری اند، با این حال، نه صادق اند و نه کاذب، زیرا قصد گوینده از ادای این جملات توصیف وضع و حال و یا واقعیتی نیست، بلکه انجام یک فعل به وسیله همین جملات است" (سرل، 1385: 29) او این گونه جملات را کنشی می نامد.

پس از آستین شاگرد برجسته او جان سرل کار استاد را دنبال کرد و در بسط و توسعه نظریه کنش گفتاری و استخراج لوازم و نتایج آن بسیار کوشید. حاصل کار سرل در باب نظریه کنش گفتاری بسیار درخشان تر از آستین است. اکنون به همت سرل چارچوبی نظری و کلی برای نظریه کنش گفتاری فراهم آمده است. و به تعبیر بعضی، سرل به صورت جاه طلبانه ای مدعی است که نظریه کنش گفتاری مسائلی مهمی را چون مسئله حکایت (reference)، معنا (meaning) ماهیت قضیه، وابستگی افعال گفتاری به نهادهای اجتماعی و حتی چگونگی استنتاج «باید» از «است» را توضیح می دهد. (عبداللهی، 1383: 98). به کارهایی که مردم به وسیله ی زبان انجام می دهند نقش های زبانی یا کنش های گفتاری یا گفتار کنش گفته می شود. و سرل این گونه کنش ها یا کارگفت ها را بر پایه نوع کاربرد به پنج دسته تقسیم میکند:

نمودار (2) طبقه بندی کنش گفتاری سرل



نمودار (2)، طبقه بندی پنج گانه کنش های گفتاری را در نظریه جان سرل نشان می دهد. در این چارچوب، کنش های زبانی بر اساس کارکرد و هدف ارتباطی به پنج دسته اصلی تقسیم می شوند که هر یک نقش متفاوتی در تعاملات زبانی و اجتماعی دارند. در واقع، از میان این طبقه بندی، تنها کنش اعلامی است که توانایی ایجاد تغییر مستقیم در واقعیت نهادی را دارد؛ ویژگی ای که آن را برای تحلیل نامه های اداری دانشگاهی بسیار مهم می سازد. بر اساس این نمودار، می توان گفت که تحقیق حاضر با تمرکز بر کنش اعلامی، در واقع به بررسی قدرتمندترین نوع کنش گفتاری در گفتمان اداری پرداخته است؛ کنشی که نه تنها معنا را منتقل می کند، بلکه واقعیت حقوقی و سازمانی را می سازد و تغییر می دهد. این امر نشان

می‌دهد که جایگاه کنش اعلامی در میان انواع کنش‌های گفتاری، جایگاهی محوری و تعیین‌کننده در ساختارهای نهادی، به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی، دارد.

1.3. کنش اعلامی:

یکی از انواع کنش‌های گفتاری در طبقه‌بندی جان سرل، کنش‌های اعلامی (Declarations) هستند؛ کنش‌هایی که در آن‌ها گوینده با تکیه بر جایگاه اجتماعی یا شغلی خود، شرایط تازه‌ای را برای مخاطب یا جهان خارج ایجاد یا اعلام می‌کند. در این نوع کنش، صرف بیان جمله، خود موجب ایجاد تغییر واقعی در وضعیت حقوقی یا اجتماعی فرد یا وضعیت بیرونی می‌شود. (محمدی: 1396: 82-83).

یان هوانگ معتقد است که اظهارات (یا اعلامیه‌ها) نوعی از کنش‌های گفتاری به شمار می‌آیند که به‌واسطه‌ی تحقق خود، تغییرات فوری و مستقیمی در وضعیت‌های موجود امور ایجاد می‌کنند. از آنجا که اجرای موفق و معتبر این کنش‌ها معمولاً مستلزم اتکا به نهادها و ساختارهای پیچیده‌ی فرازبانی است، می‌توان آن‌ها را «کنش‌های نهادی‌شده» نامید (Huang, 2014: 134). می‌توان گفت که در این گونه کنش‌های گفتاری، گوینده با عمل زبانی خود تغییری واقعی در جهان خارج پدید می‌آورد؛ بدین معنا که میان محتوای گزاره‌ای گفتار و واقعیت عینی، نوعی انطباق برقرار می‌شود.

نمونه‌های بارز این دسته از کنش‌ها عبارت‌اند از:

(معافیت و انتصاب)

(اشتغال دائمی)

(اعطای مرتبه علمی)

(انفصال از خدمت)

اخراج کردن، آغاز کردن کار، از کار برکنار کردن، به کارگماردن، پایان دادن کار، عقد قرارداد کردن، نامگذاری کردن، منصوب کردن... (Saeed, 2009: 239)

ویژگی بنیادین کنش‌های اعلامی این است که تنها در صورتی معتبر و مؤثرند که از سوی فردی دارای صلاحیت نهادی یا قانونی صادر شوند؛ برای مثال، اعلام نتیجه آزمون تنها از سوی مرجع رسمی آموزشی می‌تواند یک «کنش اعلامی واقعی» تلقی شود، نه از سوی یک فرد عادی. به بیان دیگر، تحقق تأثیرگذاری چنین کنشی، مشروط به وجود قدرت، اقتدار یا مشروعیت اجتماعی از سوی گوینده است؛ به‌گونه‌ای که مخاطب بتواند پیام را نه تنها به‌عنوان گفتار، بلکه به‌عنوان کنشی اجرایی درک کرده و آن

را بپذیرد. برای نمونه، اگر مدیر یک سازمان فرمانی صادر کند، این فرمان می‌تواند منجر به تغییر واقعی در رفتار کارکنان یا وضعیت اداری شود؛ اما اگر همین جمله از سوی فردی فاقد اختیارات قانونی بیان شود، آن کنش گفتاری کارایی اجرایی نخواهد داشت.

نمودار (3) نقش کنش اعلامی



نمودار (3) نشان می‌دهد که در کنش اعلامی، (جهت انطباق) عمدتاً از نوع واژه‌ها ← جهان است؛ یعنی گفتار موجب تغییر واقعیت بیرونی می‌شود. همچنین، گوینده با اتکا به موقعیت نهادی خود، وضعیت جدیدی را برای گیرنده ایجاد می‌کند. در نتیجه، صرف بیان جمله، یک تغییر واقعی (حقوقی یا اداری) را به وجود می‌آورد. در پژوهش حاضر نیز نامه‌های اداری دانشگاه صلاح‌الدین دقیقاً بر همین اساس عمل کرده و با زبان رسمی، واقعیت‌های نهادی جدیدی را تثبیت می‌کنند.

مبحث دوم:

کنش گفتاری اعلامی در نامه‌های اداری دانشگاه صلاح‌الدین

ارتباط زبانی یکی از نقشهای کارکرد زبان است. این ارتباط در دو بُعد شفاهی و کتبی تبلور می‌یابد، یکی از جنبه‌های علمی زبان، کارکرد آن به صورت نوشته است. زبان نوشتار، هنجارهای خاص خود را دارد و به گونه‌هایی چون اداری، ادبی، علمی،... تقسیم می‌شود. این گونه ارتباط در بافت‌های موقعیتی مانند (سازمان‌ها) برای انتقال اطلاعات و دستورها و بررسی بازخورد هر یک از آن‌هاست، به منظور انجام وظیفه برای رسیدن به اهداف و مأموریت‌های سازمان. مکتوب اداری به گونه‌های زیادی در سازمان‌ها رایج است. نامه‌ای اداری از جمله نوشته‌های اداری است از کاربرد مؤثر در سازمان‌ها برخوردار است. در این قسمت از تحقیق، با توجه به مسائل مطرح شده توسط سرل درباره ی کنش گفتاری و از جمله آنها کنش اعلامی در نامه‌های اداری دانشگاه صلاح‌الدین که عبارتند از: استعفا و انتصاب، اشتغال دائمی، اعطای مرتبه علمی، اضافه کردن حرف (د)، محرومیت از لقب علمی، انفصال از خدمت، مورد بررسی و تحقیق قرار خواهد گرفت.

مثال اول:

فرمان دانشگاهی

م / معافیت و انتصاب

- عطف به فرمان دانشگاهی شماره () مورخ (...../.../.....)، صادره در ارتباط با کمیته عالی () ، و با استناد به اختیارات تفویض شده به این مرجع، بدین وسیله مقرر می گردد:
1. جناب آقای / سرکار خانم () ، در دانشکده () ، بر اساس درخواست شخصی ایشان، معاف می گردد.
 2. جناب آقای / سرکار خانم () به سمت (عنوان) مدیرکل مرکز تحقیقات علمی منصوب می گردد.

أ- ماهیت کنش گفتاری

این متن اداری شامل دو کنش اصلی است : معاف از سمت و انتصاب به سمت جدید. هر دو کنش، به واسطه بیان رسمی آن ها در متن فرمان، واقعیت حقوقی و اداری جدیدی را ایجاد می کنند. قبل از صدور این فرمان، فرد نخست همچنان مدیر کلی مرکز تحقیقات علمی محسوب می شده و فرد دوم فاقد سمت مدیریتی مذکور بوده است؛ اما با صدور این متن، وضعیت نهادی آنان دستخوش تغییر می شود.

ب- نقش اقتدار نهادی در تحقق کنش اعلامی

یکی از شرایط اساسی موفقیت کنش های اعلامی، برخورداری گوینده از اقتدار و صلاحیت نهادی است. در این متن، این اقتدار از طریق ارجاع به:

- فرمان دانشگاهی پیشین،

- کمیته عالی مربوطه،

- و اختیارات تفویض شده به مرجع صادرکننده،

تأمین می شود. این عناصر نشان می دهند که مرجع صادرکننده، از اختیار قانونی لازم برای پذیرش استعفا و صدور حکم انتصاب برخوردار است؛ بنابراین، کنش اعلامی از نظر نهادی معتبر است.

ت- زبان کنش گر و ایجاد واقعیت نهادی (Performative Language & Institutional Status)

Removal)

عبارت کلیدی «بدین وسیله مقرر می‌گردد» نقش محوری در تحقق کنش اعلامی دارد. این عبارت نشان می‌دهد که گفتار، صرفاً گزارشی از تصمیمی قبلی نیست، بلکه خود بیان زبانی، عمل استغفایزایی و انتصاب را محقق می‌سازد. در نتیجه، زبان در این متن نقش کنش‌گر ایفا می‌کند و واقعیت اداری جدیدی را ایجاد می‌نماید.

ث- تحلیل بندهای فرمان (Clause-Level Analysis)

- در بند نخست، با پذیرش استعفا بر اساس درخواست شخصی فرد، رابطه نهادی میان عضو هیأت علمی و سمت پیشین او تغییر می‌کند. این تغییر، نتیجه مستقیم کنش گفتاری اعلامی است.
- در بند دوم، انتصاب فرد به سمت مدیرکل مرکز تحقیقات علمی، نمونه‌ای بارز از کنش اعلامی است که به واسطه آن، موقعیت نهادی جدیدی در ساختار سازمانی ایجاد می‌شود.

ج- جهت تناسب (Direction of Fit)

در این فرمان، جهت تناسب دوگانه است:

- جهان با کلمات تطابق می‌یابد؛ زیرا با صدور فرمان، وضعیت نهادی افراد تغییر می‌کند.
- کلمات با جهان نیز سازگارند؛ زیرا این تغییرات در چارچوب اختیارات قانونی و ساختار سازمانی موجود انجام می‌شود.

(کلمه - با - جهان) → (جهان - با - کلمه)

مثال دوم:

فرمان دانشگاهی

م/ اشتغال دائمی

با استناد به فرمان شماره () مورخ (/ /) صادره از سوی وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی - دفتر امور اداری و مالی، اداره منابع انسانی و همچنین بر پایه مفاد فرمان محرمانه نخست‌وزیری () مورخ (/ /)، و به موجب نامه صادره از وزارت دارایی و اقتصاد، ریاست عمومی بودجه، ریاست انتصابات، و با توجه به الزامات قانونی مندرج در مواد () قانون مدنی مصوب سال ()، با اصلاحات به عمل آمده در سال ()، بدین وسیله مقرر می‌گردد:

- جناب آقای ()، دارنده مدرک تحصیلی ()، با عنوان () و رتبه ()، با حقوق ماهیانه ()، از تاریخ آغاز به کار، به صورت رسمی و دائم به عنوان کارمند در دانشگاه/دانشکده ما منصوب گردد.

ا- ماهیت کنش گفتاری متن

این نامه یک فرمان دانشگاهی است که به صورت رسمی وضعیت شغلی یک فرد را تغییر می دهد. پیش از صدور این متن، فرد مورد نظر فاقد اشتغال رسمی و دائمی بوده است؛ اما با صدور این نامه، وضعیت حقوقی و اداری او به عنوان «کارمند رسمی و دائم دانشگاه» تثبیت می شود. بنابراین، این کنش گفتاری نه صرفاً توصیفی است و نه صرفاً تعهدی، بلکه ایجادکننده یک واقعیت نهادی جدید است.

ب- تحقق کنش اعلامی و نقش نهادها

یکی از ویژگی های اساسی کنش های اعلامی، اتکای آن ها به نهادهای رسمی و چارچوب های قانونی است. در این متن، مشروعیت کنش اعلامی از طریق ارجاع به:

- فرمان های صادره از وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی،

- اداره منابع انسانی،

- وزارت دارایی و اقتصاد،

- مواد قانونی مشخص در قانون مدنی،

تأمین می شود. این ارجاعات نشان دهنده آن است که گوینده (مرجع صادرکننده حکم) از اختیار نهادی لازم برای انجام این کنش برخوردار است؛ شرطی که از نظر سرل، برای موفقیت کنش اعلامی ضروری است.

ت- محتوای گزاره ای و تغییر در جهان

در بند اصلی نامه، جمله ای «بدین وسیله مقرر می گردد» نقش هسته ای در تحقق کنش اعلامی دارد. این عبارت نشان می دهد که گفتار صرفاً گزارش دهنده یک تصمیم پیشین نیست، بلکه خود گفتار، عمل انتصاب را محقق می سازد. بدین ترتیب، میان محتوای گزاره ای (انتصاب رسمی و دائمی) و جهان خارج، انطباقی مستقیم ایجاد می شود.

ث- جهت تناسب (Direction of Fit)

در این کنش گفتاری، جهت تناسب دوگانه است:

- از یک سو، جهان با کلمات تطابق می‌یابد؛ زیرا با صدور حکم، واقعیت اداری فرد تغییر می‌کند.
- از سوی دیگر، کلمات با جهان نیز سازگارند؛ زیرا این تغییر در چارچوب قوانین و مقررات موجود انجام می‌شود.

این ویژگی، دقیقاً با تعریف کنش‌های اعلامی در نظریه سرل مطابقت دارد.

(کلمه - با - جهان) → (جهان - با - کلمه)

ج- زمان اثرگذاری کنش

تصریح جمله‌ی «از تاریخ آغاز به کار، به صورت رسمی و دائم به عنوان کارمند در دانشگاه/دانشکده ما منصوب گردد.» نشان می‌دهد که کنش اعلامی دارای اثر فوری است و به محض صدور، واقعیت حقوقی جدیدی را ایجاد می‌کند. این امر یکی دیگر از شاخصه‌های اصلی کنش‌های اعلامی است.

مثال سوم:

فرمان دانشگاهی

م/ اعطای مرتبه علمی

با استناد به نامه شماره () مورخ (/ /) از وزارت آموزش و پرورش، اداره کل مؤسسات آموزشی، بخش مؤسسات هنرستان‌ها، و بر پایه فرمان دانشگاهی شماره () مورخ (/ /) که در راستای تشکیل کمیته مرکزی علمی بخش علوم انسانی صادر گردیده است، و با توجه به معیارهای تعیین شده از سوی وزارت آموزش و پرورش و موفقیت جناب آقای/سرکار خانم () در آزمون تخصصی برگزار شده، بدین وسیله مقرر می‌گردد:

- مرتبه علمی «استادیار» از تاریخ صدور این فرمان به ایشان اعطا شود.

أ- ماهیت کنش گفتاری

این فرمان دانشگاهی کنشی است که به واسطه صدور آن، وضعیت علمی و نهادی یک عضو هیأت علمی تغییر می‌یابد. پیش از صدور این متن، فرد مورد نظر فاقد مرتبه علمی «استادیار» بوده است؛ اما با صدور این فرمان، مرتبه علمی جدید به‌طور رسمی و الزام‌آور به وی اعطا می‌شود. از این رو، متن نه توصیف‌کننده یک واقعیت پیشین، بلکه ایجادکننده یک واقعیت نهادی جدید است.

ب- اقتدار نهادی و شرایط موفقیت کنش اعلامی (Authority & Felicity Conditions)

از دیدگاه سرل، تحقق موفق کنش‌های اعلامی مستلزم وجود اقتدار نهادی گوینده است. در این متن، این اقتدار از طریق ارجاع به:

- نامه رسمی وزارت آموزش و پرورش،

- فرمان دانشگاهی مربوط به تشکیل کمیته مرکزی علمی،

- معیارهای تعیین‌شده از سوی وزارت آموزش و پرورش،

- و موفقیت فرد در آزمون تخصصی،

تأمین و تثبیت می‌شود. این ارجاعات نشان می‌دهند که مرجع صادرکننده فرمان، از صلاحیت قانونی و نهادی لازم برای اعطای مرتبه علمی برخوردار است.

ت- زبان کنش‌گر و تحقق تغییر نهادی

عبارت کلیدی «بدین‌وسیله مقرر می‌گردد» نشان‌دهنده نقش کنش‌گر زبان در این متن است. این عبارت تصریح می‌کند که خود بیان زبانی، عمل اعطای مرتبه علمی را محقق می‌سازد و نیازی به کنش غیرزبانی تکمیلی برای ایجاد این وضعیت نهادی نیست. بدین ترتیب، زبان در این متن نقش ابزار ایجاد واقعیت علمی - اداری را ایفا می‌کند.

ث- تحلیل بند اصلی فرمان

بند «مرتبه علمی استادیار از تاریخ صدور این فرمان به ایشان اعطا شود» هسته کنش اعلامی متن را تشکیل می‌دهد. این گزاره، به‌طور مستقیم و فوری، جایگاه علمی فرد را در ساختار دانشگاهی تغییر می‌دهد و آثار حقوقی، اداری و حرفه‌ای متعددی (از جمله حقوق، مسئولیت‌ها و امتیازات علمی) را به همراه دارد.

ج- جهت تناسب (Direction of Fit)

در این فرمان، جهت تناسب به‌صورت دوگانه تحقق می‌یابد:

- جهان با کلمات تطابق می‌یابد؛ زیرا با صدور فرمان، مرتبه علمی فرد تغییر می‌کند.

- کلمات با جهان نیز سازگارند؛ چرا که این تغییر بر اساس معیارها، آزمون تخصصی و مقررات نهادی موجود انجام شده است.

(کلمه - با - جهان) ↔ (جهان - با - کلمه)

مثال چهارم:

فرمان دانشگاهی

م/ اضافه کردن حرف (د)

براساس تصمیم وزارت آموزش عالی و تحقیق‌های علمی / اداره مؤسسات اعزامی و ارتباطات فرهنگی / اداره کل تطبیق مدارک به شماره () مورخ (/ /) که مربوط است به تطبیق دائمی مدارک تحصیلی، در خصوص اعطای مدرک (دکتری) در رشته‌ی () به جناب آقای / سرکار خانم ()، از کارکنان دانشگاه / دانشکده‌ی ما ()، و به دلیل موفقیت ایشان در آزمونی که بدین منظور برگزار شده است، تصمیم اتخاذ شد به:

- اضافه کردن حرف (د) قبل از اسمش از تاریخ صدور این حکم.

أ- ماهیت کنش گفتاری

این فرمان دانشگاهی شامل دو کنش اصلی و مرتبط با یکدیگر است: اعطای مدرک دکتری و ایجاد حق استفاده از عنوان «دکتر» از طریق اضافه شدن حرف (د). پیش از صدور این فرمان، فرد مورد نظر فاقد این مدرک و عنوان رسمی بوده است؛ اما با صدور متن، وضعیت علمی، حقوقی و اجتماعی وی تغییر یافته و واقعیت نهادی جدیدی برای او ایجاد می‌شود. از این‌رو، متن نه صرفاً توصیف‌کننده، بلکه ایجادکننده مستقیم یک موقعیت نهادی جدید است.

ب- اقتدار نهادی و شرایط موفقیت کنش اعلامی (Authority & Felicity Conditions)

مطابق دیدگاه سرل، تحقق موفق کنش‌های اعلامی مستلزم وجود اقتدار نهادی مشروع است. در این متن، این اقتدار از طریق ارجاع به:

- تصمیم رسمی وزارت آموزش عالی و تحقیق‌های علمی،

- اداره تطبیق مدارک تحصیلی،

- و موفقیت فرد در آزمون تخصصی برگزار شده،

تأمین می‌شود. این ارجاعات نشان می‌دهند که مرجع صادرکننده فرمان، از صلاحیت قانونی و نهادی لازم برای انجام این کنش برخوردار است.

ت- زبان کنش‌گر و ایجاد واقعیت نهادی (Performative Language & Institutional Status Removal)

عبارتی چون «تصمیم اتخاذ شد به» و صدور حکم مبنی بر «اضافه کردن حرف (د)» نشان می‌دهد که خود بیان زبانی، عمل اعطا و تغییر عنوان را محقق می‌سازد. در اینجا زبان صرفاً گزارش‌دهنده تصمیمی پیشین نیست، بلکه ابزار تحقق کنش نهادی است که آثار آن بلافاصله پس از صدور حکم پدیدار می‌شود.

ث- تحلیل بند فرمان (Clause-Level Analysis)

- بند (اضافه کردن حرف «د» قبل از نام) پیامد مستقیم کنش اعلامی نخست است و نشان‌دهنده تثبیت نهادی و نمادین این تغییر در هویت رسمی فرد است. این بند نیز خود به‌عنوان کنشی اعلامی مستقل قابل تحلیل است، زیرا وضعیت نام و عنوان رسمی فرد را تغییر می‌دهد.

ج- جهت تناسب (Direction of Fit)

در این فرمان، جهت تناسب به‌صورت دوگانه تحقق می‌یابد:

- جهان با کلمات تطابق می‌یابد؛ زیرا با صدور فرمان، مدرک و عنوان رسمی فرد تغییر می‌کند.
- کلمات با جهان نیز سازگارند؛ چرا که این تغییر بر اساس مقررات، آزمون تخصصی و تصمیم نهادهای ذیصلاح انجام شده است.

(کلمه - با - جهان) → (جهان - با - کلمه)

مثال پنجم:

فرمان دانشگاهی

م/ محرومیت از لقب علمی

با استناد به دستور شماره () مورخ (/ /) صادره از سوی وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی دفتر وزیر (بند دوم / مرجع اداری / نکته ۲۶) و در چارچوب اختیارات تفویض‌شده به این نهاد، بدین‌وسیله مقرر می‌گردد:

- عنوان علمی «استادیار» جناب آقای () از کادر آموزشی دانشکده () در دانشگاه این‌جانب لغو می‌گردد.

- این دستور از تاریخ صدور، لازم‌الاجرا بوده و مراتب جهت اقدامات بعدی به مراجع ذی‌ربط ابلاغ می‌گردد.

ا- ماهیت کنش گفتاری

این فرمان دانشگاهی به‌طور مستقیم منجر به لغو یک عنوان علمی رسمی می‌شود. پیش از صدور این متن، فرد مورد نظر دارای لقب علمی «استادیار» بوده است؛ اما با صدور فرمان، این عنوان از وی سلب می‌شود و جایگاه علمی و نهادی او در ساختار دانشگاهی تغییر می‌یابد. بنابراین، متن نه صرفاً گزارشی از یک تصمیم اداری، بلکه ایجادکننده یک واقعیت نهادی جدید (سلب وضعیت پیشین) است.

ب- اقتدار نهادی و شرایط موفقیت کنش اعلامی (Authority & Felicity Conditions)

مطابق نظریه سرل، تحقق موفق کنش‌های اعلامی مستلزم وجود اقتدار نهادی مشروع است. در این متن، این اقتدار از طریق:

- استناد به دستور رسمی صادره از سوی وزارت آموزش عالی و تحقیقات علمی (دقتر وزیر)،

- تصریح بند، مرجع اداری و نکته قانونی مشخص،

- و اشاره به اختیارات تفویض‌شده به نهاد صادرکننده فرمان،

تأمین می‌شود. این عناصر نشان می‌دهند که مرجع صادرکننده، از صلاحیت قانونی لازم برای لغو عنوان علمی برخوردار است؛ شرطی که برای اعتبار کنش اعلامی ضروری است.

ت- زبان کنش‌گر و تحقق سلب وضعیت نهادی (Performative Language & Institutional Status Removal)

عبارت محوری «بدین‌وسیله مقرر می‌گردد» و گزاره «عنوان علمی ... لغو می‌گردد» نشان می‌دهد که خود بیان زبانی، عمل سلب عنوان علمی را محقق می‌سازد. در اینجا زبان نقش کنش‌گر ایفا می‌کند و به‌واسطه آن، واقعیت نهادی پیشین از میان برداشته شده و وضعیت جدیدی ایجاد می‌شود.

ث- تحلیل بندهای فرمان (Clause-Level Analysis)

- بند نخست، هسته کنش اعلامی متن را تشکیل می‌دهد؛ زیرا با لغو عنوان «استادیار»، موقعیت علمی و حقوقی فرد در نظام آموزش عالی تغییر می‌کند.

- بند دوم، با تصریح لازم‌الاجرا بودن دستور از تاریخ صدور و ابلاغ به مراجع ذی‌ربط، اثر فوری و الزام‌آور کنش اعلامی را تثبیت می‌کند و پیامدهای اجرایی آن را تضمین می‌نماید.

ج- جهت تناسب (Direction of Fit)

در این فرمان، جهت تناسب به‌صورت دوگانه تحقق می‌یابد:

- جهان با کلمات تطابق می‌یابد؛ زیرا با صدور فرمان، عنوان علمی فرد لغو می‌شود.

- کلمات با جهان نیز سازگارند؛ چرا که این تغییر بر اساس دستور رسمی، اختیارات قانونی و چارچوب نهادی موجود صورت می‌گیرد.

(کلمه - با - جهان) $\longleftrightarrow$ (جهان - با - کلمه)

مثال ششم:

حکم دانشگاهی

ب/ انفصال از خدمت

با استناد به قانون مصوب پارلمان اقلیم کردستان به شماره () سال () با اصلاحات بعدی، و نظر به این‌که جناب آقای/خانم ()، کارمند شاغل با عنوان شغلی () در کادر اداری ریاست دانشگاه، پس از انقضای مدت قانونی مرخصی اعطاشده، در موعد مقرر به محل خدمت خود مراجعت ننموده است، و در چارچوب اختیارات قانونی تفویض‌شده، بدین‌وسیله مقرر می‌گردد:

1. نامبرده از تاریخ () از خدمت منفصل گردد.

2. فاصله زمانی از () لغایت () به‌عنوان مرخصی بدون حقوق و بدون احتساب سابقه خدمتی منظور گردد.

أ- ماهیت کنش گفتاری:

ماهیت کنش گفتاری غالب در این نامه، کنش اعلامی نهادی (Institutional Declarative Act) است.

در این نوع کنش، زبان صرفاً بازنمای واقعیت نیست، بلکه با تلفظ/صدور گفتار، واقعیت نهادی جدیدی ایجاد یا حذف می‌شود.

جمله‌ی هسته‌ای:

« نامبرده از تاریخ (/ /) از خدمت منفصل گردد».

در این گزاره، عمل زبانی دقیقاً معادل عمل نهادی است؛ بدین معنا که انفصال نه گزارش می‌شود و نه پیشنهاد، بلکه با صدور آن تحقق می‌یابد.

ب- اقتدار نهادی و شرایط موفقیت کنش اعلامی (Authority & Felicity Conditions)

بر اساس سرل، کنش اعلامی تنها زمانی موفق است که شرایط نهادی آن فراهم باشد. این نامه واجد تمامی این شرایط است:

- اقتدار نهادی (Institutional Authority)

متن صراحتاً به:

« اختیارات قانونی تفویض شده».

« قانون مصوب پارلمان اقلیم کردستان ».

ارجاع می‌دهد. این ارجاعات نشان می‌دهد که گوینده (ریاست دانشگاه یا مرجع صادرکننده حکم) صلاحیت قانونی و نهادی لازم برای تغییر وضعیت استخدامی کارمند را دارد.

- رویه رسمی و قرارداد نهادی (Conventional Procedure)

کنش در چارچوب رویه‌ی حقوقی تثبیت شده انجام می‌شود:

ذکر قانون، ذکر وضعیت تخلف، و سپس صدور حکم. این توالی، شرط اساسی تحقق کنش اعلامی است.

- شرط اجرای موفق (Execution Condition)

کنش اعلامی در لحظه صدور حکم به‌طور کامل اجرا می‌شود؛ انفصال وابسته به پذیرش مخاطب یا اقدام بعدی نیست.

ت- زبان کنش‌گر و تحقق سلب وضعیت نهادی (Performative Language & Institutional Status Removal)

زبان متن، زبان کنش‌گر (Performative) است، نه توصیفی.

کاربرد افعالی چون:

- « مقرر می‌گردد»

- « منفصل گردد»

- « منظور گردد»

نشان‌دهنده آن است که زبان، ابزار تحقق تصمیم نهادی است.

در این متن، زبان به‌طور مستقیم منجر به سلب یک وضعیت نهادی (Institutional Status Deprivation) می‌شود؛ یعنی وضعیت «کارمند شاغل» از فرد گرفته شده و وضعیت حقوقی جدیدی جایگزین آن می‌گردد.

ث- تحلیل بندهای فرمان (Clause-Level Analysis)

بند اول: انفصال از خدمت

« نامبرده از تاریخ () از خدمت منفصل گردد .»

این بند، هسته اصلی کنش اعلامی است و تغییر وضعیت نهادی را به‌صورت مستقیم ایجاد می‌کند. زمان‌مند بودن (ذکر تاریخ) به کنش، قطعیت حقوقی و اجرایی می‌بخشد.

بند دوم: مرخصی بدون حقوق و بدون احتساب سابقه

« فاصله زمانی از (/ /) لغایت (/ /) به‌عنوان مرخصی بدون حقوق و بدون احتساب سابقه خدمتی منظور گردد».

این بند، اگرچه ماهیتی اعلامی دارد، اما نقش آن تنظیمی-تکمیلی است و پیامدهای اداری و مالی کنش اصلی را مشخص می‌کند.

ج- جهت تناسب (Direction of Fit)

در نظریه سرل، کنش‌های گفتاری از حیث جهت تناسب به دو نوع اصلی تقسیم می‌شوند:

- جهان ← واژه‌ها (Word-to-World)

- واژه‌ها ← جهان (World-to-Word)

کنش اعلامی حاضر دارای جهت تناسب دوگانه اما غالباً واژه‌ها ← جهان است؛ یعنی:

- جهان خود را با گفته‌ی نهادی تطبیق می‌دهد؛

- با صدور حکم، واقعیت اداری و حقوقی تغییر می‌کند تا مطابق متن شود.

به بیان دیگر، این حکم جهان نهادی دانشگاه را بازسازی می‌کند.

می‌توان گفت که این نامه از مثالهای برجسته ای کنش گفتاری اعلامی نهادی در گفتمان اداری-دانشگاهی است که با تکیه کردن به اقتدار قانونی، رویه نهادی و زبان رسمی، وضعیت حقوقی کارمند را از (شاغل) به (منفصل از خدمت) تغییر می‌دهد از منظر نظریه سرل، این متن نشان می‌دهد که چگونه زبان در بستر نهادی، نه تنها بازنمای واقعیت، بلکه سازنده واقعیت اجتماعی و حقوقی است.

تحلیل یافته‌ها:

در بررسی این شش مثال از فرمان‌های دانشگاهی، می‌توان دریافت که همه آن‌ها در چارچوب کنش‌های گفتاری اعلامی قرار می‌گیرند؛ یعنی گفتار در این متون، خود عمل را محقق می‌سازد. بر اساس دیدگاه جان سرل، شرط اساسی چنین کنش‌هایی وجود اقتدار نهادی و چارچوب رسمی است. در همه نمونه‌ها، این اقتدار از طریق ارجاع به قوانین، وزارتخانه‌ها، یا نهادهای دانشگاهی تأمین شده است، اما میزان و سطح آن متفاوت است و همین امر باعث تفاوت در شدت و اثرگذاری کنش‌ها می‌شود.

از نظر نوع کنش، تفاوت اصلی میان این مثال‌ها در ماهیت تغییری است که ایجاد می‌کنند. برخی از آن‌ها مانند اشتغال دائمی، اعطای مرتبه علمی و اضافه کردن حرف (د)، کنش‌های ایجابی هستند که به فرد موقعیت یا جایگاه جدیدی می‌بخشند. در مقابل، نمونه‌هایی مانند لغو عنوان علمی و انفصال از خدمت، کنش‌های سلبی محسوب می‌شوند که یک وضعیت تثبیت‌شده را از فرد می‌گیرند. همچنین مثال اول حالتی ترکیبی دارد، زیرا هم‌زمان شامل سلب یک سمت و اعطای سمت جدید است. این تفاوت نشان می‌دهد که کنش‌های اعلامی می‌توانند هم در جهت ایجاد و هم در جهت حذف واقعیت نهادی عمل کنند.

از نظر میزان اقتدار نهادی، تفاوت‌ها آشکارتر می‌شود. برخی متون تنها به ساختارهای درون‌دانشگاهی یا کمیته‌های داخلی استناد دارند، در حالی که برخی دیگر به وزارتخانه‌ها یا حتی مصوبات سطح بالای حکومتی ارجاع می‌دهند. هرچه این ارجاعات گسترده‌تر و در سطح بالاتری باشند، اقتدار کنش افزایش می‌یابد. در این میان، مثال انفصال از خدمت قوی‌ترین اقتدار را دارد، زیرا مستند به قانون مصوب و چارچوب‌های رسمی حاکمیتی است و به‌طور مستقیم بر اساس تخلف اداری اجرا می‌شود.

از نظر شدت تأثیر نیز میان این کنش‌ها تفاوت وجود دارد. برخی کنش‌ها مانند اضافه کردن حرف «د» بیشتر جنبه نمادین و هویتی دارند، در حالی که کنش‌هایی مانند اشتغال دائمی یا انتصاب، تغییرات

ساختاری در وضعیت شغلی ایجاد می‌کنند. در بالاترین سطح، کنش‌هایی مانند لغو عنوان یا انفصال از خدمت قرار دارند که می‌توانند به‌طور کامل جایگاه علمی یا شغلی فرد را از بین ببرند. بنابراین، شدت کنش به میزان تأثیر آن بر هویت نهادی فرد بستگی دارد.

در مجموع، این مثال‌ها نشان می‌دهند که زبان در گفتمان اداری نقش بسیار فراتر از انتقال اطلاعات دارد و به ابزاری برای ساخت و بازسازی واقعیت اجتماعی تبدیل می‌شود. تفاوت میان این کنش‌ها نه در اصل اعلامی بودن آن‌ها، بلکه در میزان اقتدار، نوع تغییر و عمق تأثیر آن‌هاست. این تحلیل به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای نهادی و چارچوب‌های قانونی، قدرت زبان را در ایجاد تغییرات واقعی تعیین و تقویت می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

نتایج حاصل از تحقیق حاضر را می‌توان به صورت زیر بیان کرد: تحلیل نمونه‌های مختلف فرمان‌های دانشگاهی نشان داد که افعالی نظیر اعطا کردن، منصوب کردن، لغو کردن، پذیرش استعفا و سلب عنوان علمی، دقیقاً با تعریف سرل از کنش‌های اعلامی انطباق دارند؛ زیرا تحقق آن‌ها منوط به بیان رسمی در بستر نهادی معتبر است و پس از صدور، وضعیت نهادی مخاطب به‌طور فوری دگرگون می‌شود. بدین ترتیب، قبل و بعد از کنش گفتاری، دو وضعیت نهادی متفاوت شکل می‌گیرد که این تمایز، شاخص اصلی کنش اعلامی در نظریه سرل به شمار می‌آید.

از منظر شرایط موفقیت کنش گفتاری (Felicity Conditions) در نظریه سرل، یافته‌های تحقیق نشان داد که اعتبار فرمان‌های دانشگاهی به‌طور مستقیم به وجود اقتدار نهادی گوینده، رعایت رویه‌های رسمی و استناد به قوانین و آیین‌نامه‌های بالادستی وابسته است. در تمامی متون بررسی‌شده، این شرایط از طریق ارجاع به مراجع قانونی، اختیارات تفویض‌شده و ساختارهای زبانی تثبیت‌شده‌ای همچون «بدین‌وسیله مقرر می‌گردد» تأمین شده و در نتیجه، کنش‌های اعلامی از نظر نهادی موفق و معتبر بوده‌اند.

همچنین تحلیل‌ها نشان داد که جهت تناسب دوگانه‌ای که سرل برای کنش‌های اعلامی مطرح می‌کند، به‌طور کامل در نامه‌های اداری دانشگاهی تحقق می‌یابد؛ به این معنا که از یک‌سو، جهان با کلمات تطابق می‌یابد و وضعیت نهادی افراد تغییر می‌کند، و از سوی دیگر، کلمات با جهان سازگارند، زیرا این تغییرات در چارچوب ساختارهای حقوقی و سازمانی موجود صورت می‌گیرند. این هم‌زمانی دو جهت تناسب، جایگاه ممتاز کنش‌های اعلامی را در گفتمان اداری به‌خوبی آشکار می‌سازد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که نظریه کنش‌های گفتاری جان سرل، چارچوبی دقیق و کارآمد برای تحلیل زبان اداری دانشگاهی فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که زبان در این متون نه ابزار خنثای ارتباطی، بلکه سازوکار اصلی اعمال قدرت نهادی و سازمان‌دهی واقعیت اجتماعی است. این تحقیق با برجسته‌سازی نقش کنش‌های اعلامی، می‌تواند زمینه‌ساز مطالعات بیشتر در حوزه تحلیل گفتمان اداری و نیز بهبود آموزش نگارش رسمی و حقوقی در نهادهای دانشگاهی و سازمانی باشد.

فهرست منابع:

أ- فارسی:

1. الوت، نیکولاس (1399). کلید واژه‌های کاربردشناسی، ترجمه، مهرداد امیری و بهداد امیری، چاپ اول، تهران: نشر نویسه پارسی.
2. آقا گل‌زاده، فردوس (1399). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.
3. صفوی، کورش (1399). در آمدی بر معنی‌شناسی، چاپ ششم، تهران: انتشارات سوره مهر.
4. عبداللّهی، محمد علی (1383). نظریه افعال گفتاری، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه قم، سال ششم، شماره چهارم.
5. محمدی، عادل (1396). منظورشناسی زبان و تحلیل گفتمان، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.
6. سرل، جان آر (1385). افعال گفتاری (جستاری در فلسفه زبان)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
7. معاونت حقوقی، پیشگیری و پژوهش. آشنایی با آیین نگارش اداری و حقوقی.

ب- عربی:

1. لعبيدي، فريدة (2011). لغة الخطاب الإداري، الطبعة الأولى، الجزائر: دار الوسام العربي.

ت- انگلیسی:

1. Edition, British: Crystal, David (2003). A Dictionary Of Linguistics & Phonetics, Sixth Blackwell.
2. Huang, Yan (2014). Pragmatics, Second Edition, Oxford University Press.
3. Saeed, John I (2009). Semantics, Third Edition, British: Wily- Blackwell.

کردهی قسهیی راگه‌یاندن به پیی تیوری سیرل له نووسراوه کارگێڕیه‌کانی

زانکۆی سه‌لاحه‌دین- هه‌ولێر

پوخته

تیۆریی کرده قسه‌یه‌کان (Speech Act Theory) به‌کێکه له گرنه‌ترین تیۆرییه‌کان له‌ بوا‌ری پراگماتیکی زماندا، که به‌واداچوون بۆ ئه‌که‌کانی زمان و کاریگه‌رییه‌کانیان له‌سه‌ر کارلیکه کۆمه‌لایه‌تییه‌کان ده‌کات. له‌ نێوان ئه‌م کرده قسه‌یه‌کاندا، کرده قسه‌یی راگه‌یاندن (Declarative Speech Acts) له‌ پۆلێنه‌ندیه‌ پینجیه‌که‌ی سێرلدا (Searle) گرنه‌ی خۆیان هه‌یه؛ چونکه به‌ پشتبسته‌ن به‌ پێگه‌ی کۆمه‌لایه‌تی و دامه‌زراوه‌یی قسه‌که‌، ده‌بته‌ هۆی دروستبوونی گۆڕانه‌کاریی راسته‌قینه له‌ دۆخی یاسایی، کارگێری یان دامه‌زراوه‌یی.

ئهم توێژینه‌وه‌یه که له‌سه‌ر نووسراوه کارگێڕیه‌کانی زانکۆی سه‌لاحه‌دین- هه‌ولێر، رۆشنایی ده‌خاته‌ سه‌ر چۆنیه‌تی دروستبوون و کاریگه‌ری کرده‌ی راگه‌یاندن له‌م جو‌ره ده‌قانه‌دا. په‌رسیاری سه‌رمه‌کی ئهم توێژینه‌وه‌یه ئه‌وه‌یه که کرده‌ی راگه‌یاندن له‌ نووسراوه کارگێڕیه‌کانی زانکۆی سه‌لاحه‌دین- هه‌ولێر، چۆن به‌ زمانیکی فهرمی و ده‌سه‌لاتی دامه‌زراوه‌یی ده‌بته‌ هۆی گۆڕانه‌کارییه کارگێری و دامه‌زراوه‌یه‌کان.

رێبازی توێژینه‌وه‌یه که په‌سنی (وسفی)- شیکارییه. داتا‌کان به‌ رێگه‌ی کۆکردنه‌وه‌ی نمونه راسته‌قینه‌کانی نووسراوه کارگێڕیه‌کانی زانکۆی سه‌لاحه‌دین – هه‌ولێر و لێوردبوونه‌وه و پشت‌راسته‌کردنه‌وه‌ی تیۆرییه. پاشان، ئهم داتا‌یانه به‌ شیوازی چۆنایه‌تی و له‌سه‌ر بنه‌مای چوارچۆیه‌ی تیۆری کرده قسه‌یه‌کان، به‌ تایبه‌تی تیۆری کرده‌ی راگه‌یاندن سێرل، شیکاری کراون.

ئه‌نجامه‌کانی توێژینه‌وه‌یه که نیشان ده‌دنه‌ که کرده‌ی راگه‌یاندن له‌ نووسراوه کارگێڕیه‌کاندا به‌ هۆی زمانیکی فهرمی، ره‌وا‌یی دامه‌زراوه‌یی و پێکهاته‌ی دیاریکراوی نووسینه‌ی نووسراوی کارگێری ده‌بن به‌ راستی و رۆلێکی گرنه‌ له‌ دروستکردنی گۆڕانه‌کارییه یاسایی، کارگێری و دامه‌زراوه‌یه‌کان ده‌بینن. هه‌روه‌ها چهند نمونه و رێبازیکی دیاریکراو له‌م کرده قسه‌یه‌کاندا ده‌قه هه‌لژێر دراوه‌ ده‌که‌ون، ئه‌مه‌ش یارمه‌تیده‌ر بۆ باشت‌ر تێگه‌یه‌شتن له‌ میکانیزمی ده‌سه‌لاتی زمانه‌وانی له‌ سیسته‌می کارگێریدا.

وشه سه‌ره‌کییه‌کان: کرده قسه‌یی راگه‌یاندن، نووسراوی کارگێری، پراگماتیک، زمانی فهرمی، ده‌سه‌لاتی دامه‌زراوه‌یی، زانکۆی سه‌لاحه‌دین- هه‌ولێر.